



جواد خرمی

# جایگاه اجتماعی زن در اسلام

زینب شیر زن کربلا که حیا و عفت را در اوج و نهایتش بر خوردار است، بلندترین نگهبان عفت و پاکی است؛ به گونه‌ای که همسایه او سالها قد و قامت او را ندید؛ زیرا که او در خانه و در پس حجاب زندگی می‌کرد و تاریخ در آن دوران او را جز از پشت پرده ندید<sup>۱</sup> و هرگاه به زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رفت، پدرش علی علیه السلام در پیش و برادرانش حسن و

از چمن تا انجمن جوش بهار زینب است  
گر شهادت گل کند عطر مزار زینب است  
ساریان کربلا هر چند می‌باشد حسین  
اشتران صبر را تنگ مهار زینب است  
گردمی همره شوی با گرد باد راه شام  
دامن صحرا پر از گرد و غبار زینب است  
گر ببندد دل شکستن صورتی در کربلا  
در پس هر شیشه‌ای آینه‌دار زینب است  
زیورانس و محبت زینت خلق و وفا  
زن طلا باشد اگر در وی عیار زینب است<sup>۱</sup>  
در سال پنجم یا ششم هجرت،  
روز پنجم جمادی الاول، زینب دختر  
علی و زهره علیهما السلام در مدینه منوره به دنیا  
آمد و خانه امامت را غرق شادی کرد.

۱. احمد عزیزی.

۲. بانوی کربلا، عائشه بنت الشاطی، مترجم: سید رضا صدر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ سوم، ۱۳۷۸، صص ۵۸-۵۹.

حسین علیه السلام در اطراف او بودند و شمعهای روشن اطراف قبر نیز توسط پدر بزرگوارش خاموش می شد تا قد و قامت زینب برای دیگران آشکار نباشد.<sup>۱</sup>

با این حال، او زنی بود که حضور اجتماعی فعالی داشت و در دوران خلافت پدر در کوفه عهده دار تعلیم و تفسیر قرآن بود و در دوران امام حسین علیه السلام در کنار برادر در بزرگ ترین انقلاب جهان هستی، ایفای نقش کرد و بعد از شهادت برادر و یاران او مدیریت اداره بیش از ۷۲ نفر زن و کودک اسیر را به عهده گرفت و با آنکه در محاصره دشمن بود، با سربلندی قافله اسرا را از کربلا تا شام و از آنجا تا مدینه سرپرستی کرد و هر جا لازم بود، در حضور نامحرمان بی شمار سخن گفت و خطبه خواند؛ چنان که بازار کوفه نزدیک به دارالاماره خطبه خواند؛ خطبه بیدار گرانه و کوبنده ای که نزدیک بود مردم کوفه علیه ابن زیاد دست به شورش بزنند، ولی در لحظه خطبه خواندن با تمام وجود حیا و عفت را به نمایش گذاشت تا آنجا که

خزیم اسدی می گوید: «متوجه زینب شدم. به خدا سوگند! زنی را که سر تا پا شرم و حیا باشد، سخنران تر از او ندیدم. گویی زینب از زبان علی علیه السلام سخن می گفت.»<sup>۲</sup>

و در مجلس یزید نیز لب به سخن گشود و بر سر یزید فریاد زد که «آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را در پرده نشانی و دختران [پرده نشین] رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر کنی؟ پرده آبروی آنها را بدری و صورت آنها را نمایان سازی؟...»<sup>۳</sup>

نگاهی هر چند اجمالی و سریع به زندگی حضرت زینب علیه السلام و امثال او، ثابت می کند که زن می تواند در صورت ضرورت و نیاز، بیشترین و بهترین حضور را در جامعه داشته باشد و مرز حیا و عفت را نیز با کامل ترین وجه ممکن پاسداری و مرزبانی نماید. به بهانه ولادت آن بانوی با عظمت

۱. ریاحین الشریعة، شیخ ذبیح الله محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ج ۳، ص ۶۰.  
 ۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۵، صص ۱۰۸-۱۱۰.  
 ۳. همان، ص ۱۳۳.

خویش مشغول فعالیت بود و حاضر نمی شد که در میان مردهای بیگانه و در محیط سرد و بی نور عاطفه و گرمی محبت کارخانه‌ها کار کند، ولی سرمایه داران برای راضی کردن زنها برای آمدن به کارخانجات دست به تبلیغات گسترده و فراوانی زدند و به نام مظلومیت زن و آزادی او فریاد آزادی زن از حصار خانوادگی و پوشش سنتی را سر دادند و کم کم زنان آن را باور کردند و تبدیل به پیچ و مسهره دستگاههای سرمایه‌داری شدند.

با افزایش تولید و کم شدن تقاضا، سرمایه داران برای جلوگیری از ورشکستگی، جامعه را به مصرف هر چه بیشتر و اسراف و تبذیر و تجمل دعوت کردند و برای اجرای این طرح نیز دست به دامان زن شدند تا زن جسم، زینت، دلربایی، و طنازی خویش را در راه ترویج کالاهای تولید شده قرار بدهد.

بدین ترتیب، زشت‌ترین سوء استفاده از جذابیت‌های زن را به نام آزادی از پوشش سنتی، و آزادی از قیود اخلاقی را به نام زیبای نهضت

بر آنیم که نگاهی هر چند گذرا به جایگاه اجتماعی زن در اسلام داشته باشیم.

### انگیزه غرب از حضور زنان در

#### اجتماع

همزمان با اختراع ماشین بخار توسط «نیوکامن» و آغاز انقلاب صنعتی در سال ۱۷۱۲ میلادی نیاز به کارگران در کارخانه‌ها افزایش یافت. سرمایه داران پول پرست اروپایی ضمن به کار کشیدن کارگرهای مهاجر، زنها را نیز به این میدان وارد کردند و آنها را به نام آزادی زن به پشت دستگاهها و ماشینها کشانیدند.

زنهای کارگر خصوصياتی داشتند که بسیار به نفع کارفرمایان بود؛ اولاً: عدم تحرک پذیری زن در جهت تغییر محل کار، ثانیاً: عدم همراهی زنان با دیگر همکاران خویش در اعتصابها و مبارزات، ثالثاً: سطح پایین توقع آنان و نیز صبر و حوصله و ظرافت و دقت آنان.

با این حال، زن اروپایی آن روز در کانون گرم خانوادگی و در حجاب خویش در کنار فرزندان و شوهر

شدن شخصیت زن، و تخریب عقاید گردید و در بخش اقتصادی و سیاسی نیز، مصرف زدگی، مُدپرستی، رکود فعالیتها، انحراف در جهت گیری سیاسی و... را به دنبال آورد. حال باید دید اسلام چگونه حضور زنان را در جامعه می‌خواهد که هم نقش و حق زن در جامعه ادا شود و هم پیامدهای زیانبار، دامن جامعه را نگیرد.

### زنان و حضور در اجتماع

خورشید اسلام زمانی در جزیره العرب طلوع کرد که زن در جامعه آن روز دارای هیچ ارزش اجتماعی نبود و جز به عنوان شیء و کالایی که به دیگران (پدر یا فرزند یا شوهر) تعلق داشت و آنها صاحب اختیار او بودند، مطرح نمی‌شد، ولی اسلام در سخن گفتن از مسئولیتهای اجتماعی و فردی، هم با مردان سخن می‌گوید و هم با زنان و حتی گاهی روی سخن با زنان، قبل از مردان است؛ چرا که زن را

آزادی زن به انجام رساندند تا آنجا که همه چیز را به ضرب و زور «سکس» تبلیغ می‌کردند؛ از لباسهای گوناگون گرفته تا اتومبیل، موتور، دوچرخه و حتی میز و صندلی و پیچ و آچار و... و زن جدید تبدیل به مانکنی شد که وسیله فروش جنس و ازدیاد ثروت سرمایه‌دار بود و عده‌ای نیز وادار شدند که به سراغ شغل‌های پول ساز دیگری به وسیله زنان بروند و در این راه قید هر گونه قانون اخلاقی و انسانی را بزنند و تنها و تنها به در آمد خود بیندیشند.<sup>۱</sup>

و این حضور افسار گسیخته زن در اجتماع غربی زیانها و پیامدهای ویرانگری را در پی داشت که در بخش اجتماعی باعث تزلزل خانواده، جنایات جنسی، گسترش فحشا و روسپیگری، آدمکشی و... گردید و از نظر جسمانی، امراضی چون: سوزاک، سفلیس، شانکروئید، ضعف اعصاب و عقده روانی، خودارضایی، سرد مزاجی، ایدز و... را به ارمغان آورد و از نظر فرهنگی، باعث از خود بیگانگی، فساد اخلاقی و بی بند و باری، قربانی

۱. ر.ک: فساد سلاح تهاجم فرهنگی، سید محمود مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۴۳-۴۵؛ لذات فلسفه، ویل دورانت، ص ۱۵۶.

من برای رساندن آب به سربازان اسلام در جنگ احد شرکت کردم تا آنجا که دیدم نسیم فتح به سوی مسلمانان وزید؛ لکن چیزی نگذشت که یک مرتبه ورق برگشت و مسلمانان شکست خورده، پا به فرار گذاشتند و من دیدم جان پیامبر ﷺ در معرض خطر قرار گرفت. وظیفه دیدم ولو به قیمت جانم هم تمام شود، از پیامبر ﷺ دفاع کنم. مشک آب را بر زمین گذاردم و با شمشیری که به دست آورده بودم، از حملات دشمن می‌کاستم و گاهی تیراندازی می‌کردم.

در این لحظه، جای زخمی را که در شانۀ‌اش بود، متذکر می‌شود و می‌گوید: در آن وقت دیدم چشم پیامبر ﷺ به یک نفر افتاد که در حال فرار بود، فرمود: اکنون که فرار می‌کنی، سپر خود را به روی زمین بینداز! او سپر خود را انداخت و من آن سپر را برداشتم و مورد استفاده قرار دادم. ناگاه

در نه سالگی شایسته خطاب تکلیف و به دوش گرفتن بار مسئولیت می‌بیند و مرد را در پانزده سالگی، و نیز به هنگام بیعت گرفتن و پیمان وفاداری با حکومت اسلامی، رسول اکرم ﷺ هم از مردها بیعت گرفت و هم از زنها (با قرار دادن دست در ظرف آبی که دست مطهر پیامبر اکرم ﷺ در طرف دیگر آن بود).<sup>۱</sup>

ارج گذاری بی‌مانند اسلام به مقام زن، باعث حضور جدی آنان در تمامی صحنه‌های اجتماعی از مسجد تا جبهه نبرد شد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «لَا تَمْنَعُوا إِيمَانَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَنَيْحُ رَجُلٍ نَفَلَاتٍ<sup>۲</sup>؛ کنیزکان پروردگار را از مساجد خدا منع نکنید، و آنان نیز بدون آرایش در مساجد حضور پیدا کنند.»

آن حضرت هرگاه می‌خواست به جنگی برود، با قید قرعه یکی از همسران خود را همراه خویش می‌برد. عده زیادی از زنان نیز همراه لشکر اسلام در صحنه‌های نبرد حضور داشتند، همچون: جنگ تبوک، جنگ احد و... به این داستان توجه کنید: «ام عامر که نام وی «نُسیبه» است، می‌گوید:

۱. ر.ک: فساد سلاح تهاجم فرهنگی، صص ۲۹۴-۲۹۵.

۲. سفينة البحار، شیخ عباس قمی، مکتبه السنائی، ج ۲، ص ۵۸۷.

متوجه شدم که مردی به نام «ابن قمیثه» فریاد می‌کشد و می‌گوید: محمد کجاست؟ او پیامبر ﷺ را شناخت و به او حمله آورد، من و مصعب او را از حرکت به سوی مقصد باز داشتیم. او برای عقب زدن من ضربتی بر شانه‌ام زد. با اینکه من چند ضربه بر او زدم، ولی ضربه او در من تأثیر کرد و اثر این ضربه تا یکسال باقی بود و ضربات من بر اثر وجود دو زره در تن او تأثیر نکرد. ضربه‌ای که متوجه شانه من شد، ضربه کاری بود. پیامبر ﷺ متوجه شانه من گردید که خون از آن فوران می‌کند، فوراً یکی از پسرانم را صدا زد و فرمود: زخم مادرت را ببند. وی زخم مرا بست و من دو مرتبه مشغول دفاع شدم. در این بین، متوجه شدم یکی از پسرانم زخم برداشته، فوراً پارچه‌هایی را که برای بستن زخم مجروحان با خود آورده بودم، در آوردم و زخم پسر را بستم؛ ولی برای اینکه هر لحظه وجود پیامبر ﷺ در آستانه خطر بود، رو به فرزندم کردم و گفتم: فرزندم! برخیز و مشغول کارزار باش.»<sup>۱</sup>

این‌گونه در سایه پرورش صحیح و آزادی منطقی که اسلام برای زنان ایجاد کرده بود، زنانی پرورش یافتند که در مجامع عمومی و حتی در برابر شخص خلیفه اظهار وجود کرده، به انتقاد می‌پرداختند. به عنوان مثال، عمر در منبر مهریه بیش از چهار درهم را برای زن ممنوع اعلام می‌کند. زنی با کمال شهامت برخاسته، در مقابل فرمان خلیفه می‌ایستد و می‌گوید: این سخن بر خلاف گفته قرآن است و هیچ‌گونه ارزشی ندارد. سپس این آیه قرآن را می‌خواند: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ سُنْيًا»<sup>۲</sup>؛ «اگر خواستید همسری را به جای همسری بگیرید، اگر به یکی از زنان مال بسیار زیادی را [به عنوان مهریه] دادید، از آنها چیزی پس نگیرید.» خلیفه دوم در مقابل جمعیت راه‌گریزی نمی‌یابد. به ناچار سخن این زن را تأکید کرده، می‌گوید: «كُلُّ النَّاسِ أُمَّةٌ مِنْ عَمْرٍ حَتَّى

۱. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، قم، نشر عمار،

بی‌نا، صص ۴۸۰-۴۸۱.

۲. نساء / ۲۰.

کار کردن را واجب و گاهی مستحب شمرد.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرت فرمود: «طَلَبُ الْحَلَالِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَتُسَلِّمَتُهُ؟» به دست آوردن روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

در قرآن کریم نیز به کارکردن دختران پیامبر خدا، حضرت شعیب علیه السلام و کمک آنان به پدر در دامداری اشاره شده است.<sup>۱</sup>

مشاغلی که جامعه بدان نیازمند است، در اسلام به عنوان واجب کفایی بر عهده همه افراد مسلمان می‌باشد، خواه مرد و خواه زن. بنابراین، در صورتی که جامعه نیازمند پزشک، پرستار، معلم، دبیر و استاد زن باشد، این امور به عنوان واجب کفایی بر بانوان واجب و لازم است. به همین جهت، علماء با وجود پزشک زن که دارای تخصص کافی است، اجازه

رَبَّاتِ الْحِجَالِ؛ همه مردم بهتر از عمر احکام اسلامی را می‌دانند، حتی صاحبان حجله‌ها (زنان).»<sup>۱</sup>

نمونه اعلائی حضور زنان در صحنه‌های سیاسی نیز، جریان سخنرانی آتشین دختر پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد و در محضر عموم مردم و اعتراض وی علیه مسیر اسلامی و غضب خلافت است.

### زنان و کار در اسلام

دین مقدس اسلام تقریباً دو‌وازه قرن پیش از اروپا، استقلال اقتصادی زن و مالکیت وی را محترم شمرد، در حالی که در اروپا در سال ۱۸۸۲ میلادی، استقلال اقتصادی زن و مالکیت زن به رسمیت شناخته شد؛ آن هم به خاطر اقتضای انقلاب صنعتی و احتیاج کارخانه‌ها به وجود زنان کارگر. اسلام علاوه بر استقلال اقتصادی زن، با گذاشتن مسئولیت اداره زندگی و وجوب نفقه بر مرد، به زنان این امکان را داده است که ثروت خویش را ذخیره و برای آینده خود پس انداز کنند. از طرفی، اسلام اجازه کار کردن به زن نیز عطا کرد و در برخی موارد

۱. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۱.  
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۳۵.  
۳. قصص / ۲۳.

### زنان و دانش‌اندوزی

گونه‌ای دیگر از حضور زنان در اجتماع، راهیابی در صحنه‌های تعلیم و تعلم است. اسلام دینی است که در نظام ارزشی خود علم و دانش را در صدر ارزشها پس از ایمان و اعتقاد قرار داده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾<sup>۱</sup> «خداوند کسانی را که از شما ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش به آنها داده شده است، درجات عظیمی می‌بخشد.»

دین مقدس اسلام در خصوص دانش آموزی شرایط سنی، مکانی و جنسی را برداشته و دستور فراگیری علم را برای مرد و زن به طور یکسان بیان کرده است و برخی دانشها را مانند: آموختن احکام واجبات و محرمات، اعتقادات دینی، و... به عنوان واجب عینی بر همه لازم کرده و هر دانشی که جامعه اسلامی به آن نیازمند است، به عنوان واجب کفایی بر مرد و زن مقرر

رفتن نزد پزشک مرد را به زنان نمی‌دهند.

در غیر این امور نیز زن می‌تواند متناسب با ساختار بدنی خویش و حفظ حجاب و حرمت انسانی خود در جامعه و فعالیت اقتصادی شرکت کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سه چیز حجابها را می‌درند و به پیشگاه خداوند می‌رسند، صدای قلم دانشمندان، صدای گامهای مجاهدان راه خدا، و صدای ریسندگی زنان.»<sup>۱</sup>

زن در کارهای تجارتي هم می‌تواند شرکت کند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاثِبِينَ»<sup>۲</sup> زن نیکوکار یکی از تجار کنندگان است.»

و تاریخ اسلام به خوبی نشان داده است که بانوان فراوانی با حفظ عفت و حجاب در امر تجارت و دیگر فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشته‌اند؛ حتی زنان برجسته‌ای همچون حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا سابقه تجارتهای گسترده داشته‌اند. در زمان کنونی نیز زنان می‌توانند با حفظ شئون اسلامی چنان نقشهایی را ایفا کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۹.

۲. همان، ص ۲۳۸.

۳. مجادله / ۱۱.



کرده است.

در حدیث معروفی که در منابع متعدد نقل شده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»<sup>۱</sup> دانش آموختن بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

یکی از یاران امام باقر علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: آیا این حدیث را به همسرم تعلیم دهم؟ حضرت فرمود: «آری، قرآن می گوید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»<sup>۲</sup>؛ «خود و خانواده تان را از آتش نگه دارید.»<sup>۳</sup> از این روایت هم به دست می آید که تعلیم دستورات دینی به بانوان یک واجب دینی است.

در صدر اسلام بسیاری از زنان با حفظ حجاب اسلامی، در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله حضور می یافتند و احادیث را فرا گرفته، به نسلهای بعدی تعلیم می دادند. این گونه راویان به قدری فروان اند که ابن حجر عسقلانی در کتاب «الاصابة» بخش ویژه ای درباره زنان عالم گشوده و از ۱۵۲۲ زن صحابی نام برده است و نیز در «أسد الغابة» نام بیش از هزار زن مسلمان صحابی ذکر شده است<sup>۴</sup> و همین طور

کتابهای دیگری که در این زمینه وجود دارد.<sup>۵</sup>

آنچه گذشت اشاره به گوشه هایی از حضور زنان در اجتماع و عرصه های اجتماعی بود و امروزه با تجربه انقلاب اسلامی کسی در اصل حضور زنان در اجتماع و عرصه های مختلف آن

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰ جلدی، ج ۱۸، ص ۱۴؛ اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، علمیه اسلامیة با ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۴۰، ح ۷.

۲. تحریم ۶/

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵.

۴. ر.ک: فساد سلاح تهاجم فرهنگی، ص ۲۹۳.

۵. به این کتابها می توان اشاره کرد:

۱. الدر المشور فی طبقات ربات الأخدور، زینب فؤاز؛

۲. اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، عمر رضا کحاله؛

۳. نساء شهیرات، و داد سکا کین؛

۴. بلاغات النساء، احمد بن ابی طاهر طیفور الخراسانی؛

۵. نساء متفوقات، سلمی حفار؛

۶. معجم النسوان، ابن عساکر؛

۷. تاریخ النساء، محمد بن احمد ابی وردی؛

۸. اعلام النساء المؤمنات، محمد الحسون و ام علی مشکور؛

۹. زنان قهرمان، احمد بهشتی؛

۱۰. شهیرات النساء فی العالم الاسلامی، حسین قدریه.

متناسب با شئون اسلامی تردید و شکی ندارد؛ اما سخن در حفظ حجاب و حدود شئون اسلامی است که ما تحت عنوان توصیه‌های اسلام، به آنها اشاره می‌کنیم.

### توصیه‌های اسلام به بانوان

اسلام در کنار دستور شرکت بانوان در اجتماع و یا تجویز آن، دستورات و تذکراتی دارد که توجه به آنها برای همه مخصوصاً بانوان گرمی ضروری و لازم است:

#### الف. حفظ حجاب

بر زن واجب است که تمامی بدن خود را به جز دستها تا مچ و گردی صورت، از مرد نامحرم پوشاند و این در صورتی است که به قصد تلذذ و ریبه به او نگاه نکنند و گرنه در صورت نگاه کردن به قصد تلذذ و ریبه، پوشاندن حتی از محارم (به غیر از شوهر) نیز لازم است.<sup>۱</sup>

برخی از مراجع در صورتی که در چهره و یا دستها زینتی وجود داشته باشد، مانند: انگشتر و حلقه، عینک زینتی، سرمه، لاک ناخن، حنا و امثال آن، پوشاندن صورت و دستها را نیز

واجب می‌دانند.<sup>۲</sup>

و برخی دیگر از مراجع در پوشاندن صورت و دستها نیز احتیاط واجب کرده‌اند.<sup>۳</sup> در حفظ حجاب باید به این نکات توجه شود:

#### ۱. لباس بدن نما ممنوع

در روایات زیادی از لباس نازک بدن نما نهی شده است، از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر الزمان امت من، زنانی خواهند بود که پوشیده و عریان هستند [چون لباسهای نازک آنها را نمی‌پوشاند] و روی سر آنان همانند کوهان شتر قرار دارد [اشاره به جمع کردن موها و اقسام آرایش این گونه]. آنها را لعنت کنید؛ زیرا آنان از رحمت الهی دورند و به بهشت وارد نمی‌شوند و حتی بوی بهشت را که از مسیر طولانی درک می‌شود، درک نخواهند

۱. عروة الوثقی، سید کاظم یزدی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۶۳۵، مسئله ۳۱.

۲. احکام بانوان، محمد وحیدی، استفتاء از امام خمینی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی خواران، چاپ هشتم، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۶۳۵.

کرد.<sup>۱</sup>

#### ۲. پوشاندن کامل بدن

اصبغ بن نباته که از یاران مخلص امیرالمؤمنین علیه السلام بود، می‌گوید: «از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود: در آخر زمان و نزدیکی قیام قیامت که بدترین روزگاران است، زنانی پدیدار شوند که بی‌حجاب و برهنه‌اند و آرایش می‌کنند، از دین خارج‌اند و در فتنه‌ها داخل، به شهوت مایل و به طرف لذتها شتابنده‌اند. آنان حرامهای الهی را حلال می‌شمارند و در جهنم همیشه معذب خواهند بود.»<sup>۲</sup>

#### ۳. پوشاندن برجستگیهای بدن

برخی زنان آن چنان لباس تنگ و چسبان می‌پوشند که غمازتر از بی‌پراهنی است. زنان متدین در عرصه‌های اجتماعی از این‌گونه لباسها به شدت پرهیز می‌کنند.

اسماء دختر عمیس می‌گوید: «فاطمه زهرا علیها السلام به من فرمود: من زشت می‌شمارم اینکه روی جنازه زنان پارچه‌ای می‌اندازند. پس هر کس به آن می‌نگرد، حجم بدن او را درک می‌کند. من به آن حضرت عرض کردم:

ای دختر رسول خدا! من برایت چیزی می‌سازم که آن را در سرزمین حبشه دیده‌ام. سپس شاخه‌های تر خرما را آورده، به همدیگر بستم و پارچه‌ای روی آن انداختم [که جنازه پیدا نباشد] پس فاطمه فرمود: چه نیکو و زیباست این وسیله که به واسطه آن زن از مرد تشخیص داده نشود.»<sup>۳</sup>

#### ۴. دوری از لباس شهرت

لباسهایی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای شخصی که می‌خواهد آن را بپوشد، متعارف نیست و سبب جلب توجه دیگران می‌شود، لباس شهرت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّيْمَةَ يُبَغِّضُ شُهْرَةَ اللَّيْبِاسِ؛<sup>۴</sup> خداوند شهرت در لباس را دشمن می‌دارد.»

#### ۵. تشبیه به کفار

استاد مطهری می‌گوید: «اسلام

۱. الحجاب، ص ۵۶، به نقل از فساد سلاح تهاجم فرهنگی، ص ۲۷۳.

۲. وسائل الشیعة، حر عاملی، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۴، ص ۱۹؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۹۰.

۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.

۴. همان، ج ۷۹، ص ۳۱۴.

گفته است شخصیت باختن حرام است، مرعوب دیگران شدن حرام است، طفیلی‌گری حرام است، هضم شدن و محو شدن در دیگران حرام است، افسون شدن در مقابل دشمن مانند: خرگوشی که در مقابل مار افسون می‌شود، حرام است، الاغ مرده بیگانه را قاطر پنداشتن حرام است، انحرافات و بدبختیهای آنها را به عنوان پدیده قرن جذب کردن حرام است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند، غذای مخصوص آنان را نخورند، و همانند و همشکل آنان نشوند! وگرنه اینان نیز جزء دشمنان من خواهند بود؛ همان‌گونه که آنان دشمن من می‌باشند.»<sup>۲</sup>

۶ اجتناب از تشبیه زن به مرد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْجُرُ الرَّجُلَ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَيُنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا؛<sup>۳</sup> رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همیشه مردان را از شبیه شدن به زنان منع می‌فرمود و زنان را از شباهت داشتن به مردان در لباس

نهی می‌کرد.»

ب. تحریک ممنوع

در دین مقدس اسلام علاوه بر دستوراتی که در زمینه پوشش و نگاه رسیده است، به شدت از تحریک و تهییج احساسات جنسی در محیط اجتماع، مخصوصاً در موارد اختلاط زن و مرد جلوگیری شده که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. آرایش برای نامحرمان ممنوع

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ مُتَلَمَّعٌ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؟<sup>۴</sup> هر زنی که خود را خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود، لعنت می‌شود تا آن هنگام که به خانه برگردد.»

۲. تحریک با گفتار و نوشتار

در قرآن کریم می‌خوانیم: «با صدای نرم و نازک [با مردان] سخن

۱. نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات

صدر، ص ۱۰۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۱۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۵۵.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۸، ح ۲.

### ج. کنترل تماسها

#### ۱. تماس جسمی مطلقاً حرام

تماسهای جسمی بین مرد و زن نامحرم، هر چند اندک باشد، از نظر اسلام حرام شده است؛ حتی اگر فقط دست دادن با نامحرم و بدون هیچ گونه قصد سوئی باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس با زنی نامحرم دست بدهد، روز قیامت با دستهایی که به زنجیر بسته شده است، وارد محشر می شود و سپس به طرف جهنم برده خواهد شد.»<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قَرْنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيَقْدَفَانِ فِي النَّارِ»<sup>۵</sup> آن کس که به زن نامحرمی بچسبد، همراه با شیطانی در زنجیری آتشین بسته می شود و به

مگویید! [مبادا] آن که دلش بیمار است، به طمع افتد، و به نحو شایسته سخن گوید و در خانه های تان قرار گیرید و از ظاهر کردن آرایش خود به گونه جاهلیت نخستین خودداری کنید!»<sup>۱</sup>

اسلام برای جلوگیری از تحریک به حرام، با سرودن شعر و یا نوشتن مقالات و داستانها و پخش و نشر عکسهایی که موجب فساد و گناه باشد نیز برخورد کرده است و به عنوان کتب ضلال و گمراه کننده جلوی انتشار آن را گرفته است.

و همین طور ارتباط عشقی با نامحرم از طریق صحبت کردن، تماس تلفنی یا نامه ای، از دیدگاه مراجع و شرع حرام می باشد.<sup>۲</sup>

۳. شوخی با نامحرم ممنوع

ابوبصیر از اصحاب امام باقر علیه السلام می گوید: «مَنْ زَنَى رَا دَرَسَ قُرْآنَ مِی دَادِم. پس با وی مزاح و شوخی کردم. پس از آن، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم، به من فرمود: چه سخنی با آن زن گفتی؟ من خجالت کشیده، صورتم را پوشانیدم. حضرت فرمود: دوباره تکرار نکنی!»<sup>۳</sup>

۱. احزاب / ۳۱.

۲. احکام روابط زن و مرد، سید مسعود معصومی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۸۰، صص ۱۳۹-۱۴۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۴ و ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۴. «مَنْ صَافَعَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا تَمَّ يُؤْمَرُ بِرَأْسِ النَّارِ» وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳ و ر.ک: ص ۱۴۲ و ۱۵۱.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

درون دوزخ پرتاب خواهند شد.»

از نظر اسلام برای حفظ حریم عفاف و دوری از وسوسه‌های شیطانی، سفارش شده که نامحرم دختری را که به شش سالگی رسیده است، نبوسد.

در روایتی آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد والی مکه بودند که با حضرت نسبت فامیلی داشت، والی دختر کوچکی داشت که از مهمانها پذیرایی می‌کرد و مهمانها هم با او احوالپرسی کرده، او را در بغل می‌گرفتند. این دخترک هنگامی که خدمت امام علیه السلام رسید، حضرت با دستهای خود او را گرفتند و مانع نشستن او در آغوش و زانوی خود شدند. آن‌گاه فرمود: «إِذَا أَتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتِّ سِنِينَ كَمْ يَجُزُّ أَنْ يَقْبَلَهَا رَجُلٌ لَيْسَتْ مِنْهَا بِمَحْرَمٍ لَهُ وَلَا يَضْمَعُهَا إِلَيْهِ؛<sup>۱</sup> هرگاه دختری به سن شش سالگی رسید، جایز نیست مرد نامحرم وی را بپوسد یا در بغل بگیرد.»

۲. خوابیدن در یک مکان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ

يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ بِمَحْرَمٍ؛<sup>۲</sup> آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورده است، در مکانی که صدای نفس کشیدن زن نامحرم را می‌شنود، شب را به صبح نیاورد.»

۳. تنها بودن با نامحرم

برای پیشگیری از وسوسه‌های شیطانی، اسلام دستور می‌دهد که زن و مرد نامحرم هیچ‌گاه در محیط خلوت قرار نگیرند.

امام صادق علیه السلام فرمود: از مواردی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پیمان با زنان، با آنها شرط کرد این بود که: «أَنْ... لَا يَقْعُدَنَّ مَعَ الرَّجَالِ فِي الْخُلَاءِ»<sup>۳</sup> با مردان در جای خلوت ننشینند.

و حضرت علی علیه السلام فرمود: «هیچ‌گاه مردی با زنی نامحرم در جای خلوت همراه نشود؛ زیرا هنگامی که مرد نامحرم و زن نامحرم در مکان خلوت همراه شدند، سومین آنها شیطان خواهد بود.»<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. «لَا يَخْلُو بِامْرَأَةٍ رَجُلٌ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ح ۲.